

هو الابھی

ای بنده درگاه الہی آنچه از خامه محبت اللہ جاری قرائت گردید و از مضامینش معانی دل نشین ادراک گردید امید از موهبت رب مجید چنان است که در کلّ احیان بنفحات رحمن زنده و تر و تازه باشید در خصوص مسأله تناسخ مرقوم نموده بودید این اعتقاد تناسخ از عقائد قدیمه اکثر امم و ملل است حتی فلاسفہ یونان و حکمای رومان و مصریان قدیم و آثوریان عظیم ولکن در نزد حقّ جمیع این اقوال و اوہام مزخرف و برہان اعظم تناسخیان این بود کہ مقتضای عدل الہی این است کہ اعطای کلّ ذی حقّ حقّہ شود حال ہر انسان ببلائی مبتلا شود گوئیم کہ گناہی نموده است ولکن طفلی کہ ہنوز در رحم مادر است و نطفہ اش تازه انعقاد کردہ است و کو و کر و شل و ناقص الخلقہ است آیا چہ گناہی نموده است کہ بہ چنین جزائی گرفتار شدہ است پس این طفل اگر چہ بظاہر در رحم مادر خطائی ننمودہ ولکن پیش از این در قالب اوّل جرمی کردہ کہ مستوجب چنین جزائی شدہ ولی این نفوس ازین غافل گشتہ اند کہ اگر خلقت بر یک منوال بود قدرت محیطہ چگونه نمودار میشد و حق چگونہ

ی‌فعل ما یشاء و یحکم ما یرید می‌گشت باری ذکر رجعت در کتب الّهی مذکور و این مقصد طرجوع شئون و آثار و کمالات و حقایق و انواری است که در هر کور عود مینماید نه مقصد اشخاص و ارواح مخصوصه است مثلاً گفته میشود که این سراج دیشب و امشب عود نموده است و یا آنکه گل پاری امسال باز در گلستان رجوع کرده است در این مقام مقصد حقیقت شخصیّه و عین ثابتّه و کینونت مخصوصه آن نیست بلکه مراد آن شئون و مراتبی است که در آن سراج و در آن گل موجود بود حال در این سراج و گل مشهود یعنی آن کمالات و فضائل و مواهب ربیع سابق در بها لا حق عود نموده است مثلاً این ثمر همان ثمر سال گذشته است در این مقام نظر بلطافت و طراوت و نضارت و حلاوت آن ثمره است و الاّ البتّه آن حقیقت متعیّنه و اعین مخصوصه رجوع ننموده آیا از یک مرتبه وجود در این عرصه شهود اولیای الّهی چه نعمتی و راحتی دیدند که متصّلاً عود و رجوع و تکرّر خواهند آیا یک مرتبه این مصائب و بلایا و رزایا و صدمات و مشکلات کفایت نمی‌کنند که تکرّر این وجود را در این عالم خواهند این کأس چندان حلاوتی نداشته که آرزوی تتابع و تکرّر شود پس دوستان جمال ابّهی ثوابی و اجری جز مقام مشاهده و لقا در ملکوت ابّهی نجویند و جز بادیّه تمّناى وصول برفرف اعلى نپویند نعمت باقیّه

خواهند و موهبت سرمدیه که مقدّس از ادراکات امکانیه است چه که چون ببصر حدید نظر فرمائی جمیع بشر در این عالم ترابی معدّبند مستریحی نه تا ثواب اعمال حیات مکرّر سابق ببند و خوشحالی نیست که ثمره مشقّات ماضیه چیند و اگر حیات انسانی و وجود روحانی محصور در زندگانی دنیوی بود ایجاد چه ثمره داشت بلکه الوهیت چه آثار و نتیجه می بخشید بلکه موجودات و ممکنات و عوالم مکّونات کل مهمل بود استغفر الله عن هذا التّصوّر و الخطاء العظیم همچنانکه ثمرات و نتایج حیات رحمی در آن عالم تنگ و تاریک مفقود و چون انتقال باین عالم وسیع نماید فوائد نشو و نماء آن عالم واضح و مشهود می گردد بهم چنین ثواب و عقاب و نعیم و جحیم و مکافات و مجازات اعمال و افعال انسان در این نشئه حاضر در نشئه آخری عالم بعد ازین عالم مشهود و معلوم میگردد و همچنانکه اگر نشئه و حیات رحمی محصور در همان عالم رحم بود حیات و وجود رحمی مهمل و نامربوط می گشت بهمچنین اگر حیات این عالم و اعمال و افعال ثمراتش در عالم دیگر نشود بکلی مهمل و غیر معقول است پس بدان که حق را عوالم غیبی هست که افکار امکانی از ادراکش عاجز است و عقول بشری از تصوّرش قاصر چون مشام روحانی را از هر رطوبت امکانی پاک و مطهر فرمائی نفحات قدس حدائق رحمانیه آن

عوالم بمشام رسد والبهاء عليك و على كلّ ناظر و متوّجه الى الملكوت
الابهى الذى قدّسه الله عن ادراك الغافلين و ابصار المنكرين . (عبدالبهاء
عباس)